





عید غدیر خم



روایت آیت الله سبحانی از واقعه غدیر خم

همسفری یا آموختن مراسم حج همراه آن حضرت بودند تا صد و بیست هزار نفر تخمین زده شده اند. مراسم حج به پایان رسید و پیامبر اکرم (ص) راه مدینه را، در حالی که گروهی انبوه، ایشان را بدرقه می کردند، در پیش گرفت. چون کاروان به پهنه بی آبی به نام «غدیر خم» رسید که در سه میلی «جُحْفَه» قرار دارد، پیک وحی فرود آمد و به پیامبر (ص) فرمان توقف داد. پیامبر (ص) نیز دستور داد که همه از حرکت باز ایستند و بازماندگان فرا رسند. کاروانیان از توقف ناگهانی و به ظاهر بی موقع پیامبر (ص)، در این منطقه بی آب، آن هم در نیمروزی گرم که حرارت آفتاب بسیار سوزنده و زمین تفتیده بود، در شگفت ماندند. مردم با خود می گفتند: فرمان بزرگی از جانب خدا رسیده و در اهمیت فرمان همین بس که به پیامبر (ص) مأموریت داده است که در این وضع نامساعد همه را از حرکت باز دارد و فرمان خدا را ابلاغ کند. فرمان خدا به رسول گرامی طی این آیه نازل شد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ ای پیامبر، آن چه را از پروردگارت بر تو فرود آمده است، به مردم برسان و اگر نرسانی رسالت خدای را به جا نیاورده ای؛ و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می کند.» (مائده: ۶۷)

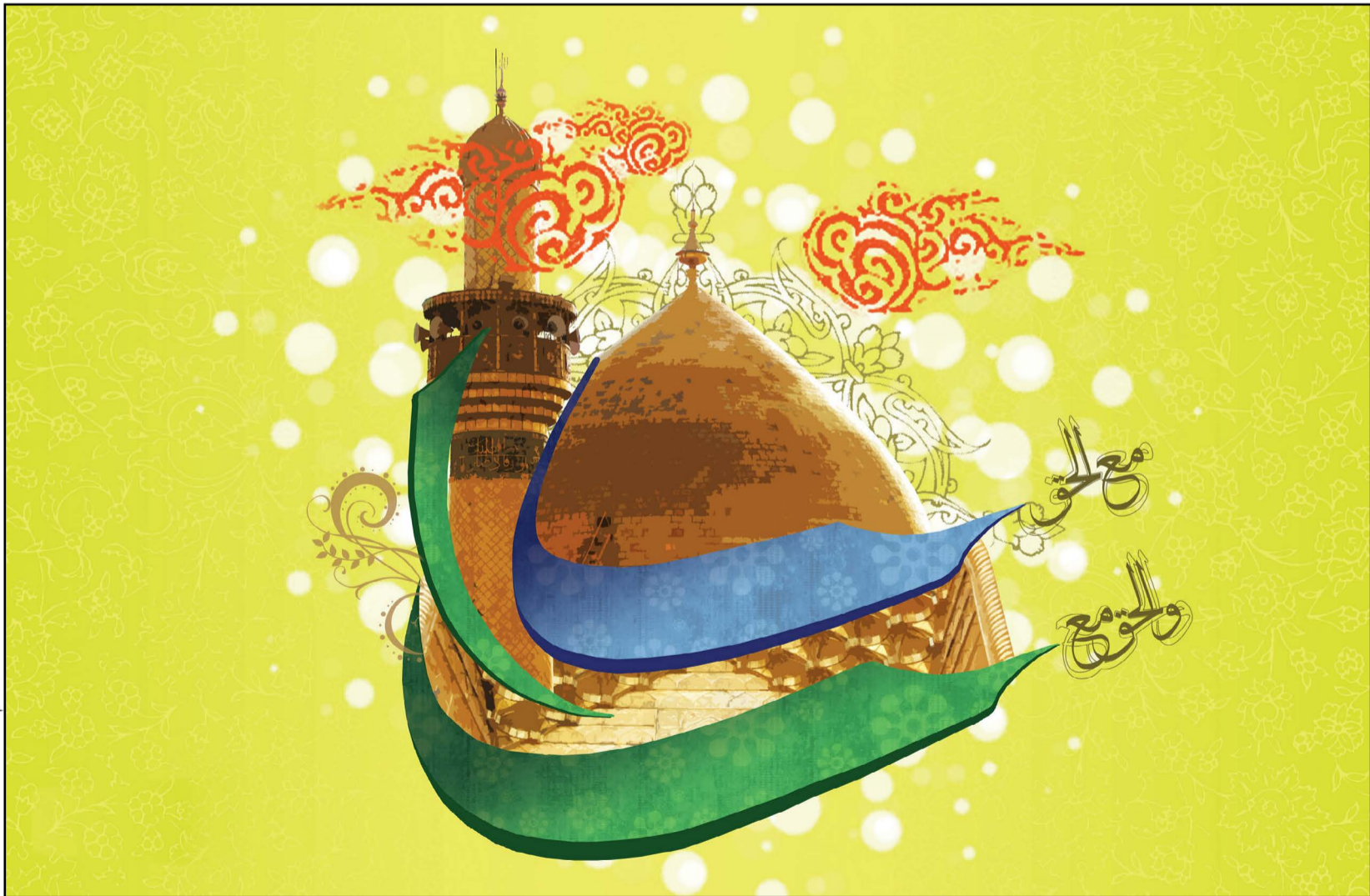
در وقوع واقعه غدیر تردیدی وجود ندارد. بسیاری از مورخان و علمای جهان اسلام، اعم از شیعه و سنی، در آثارشان به شرح این واقعه پرداخته و آن را بر اساس روایات متواتر، نقل کرده اند. مرحوم علامه امینی، در کتاب ارزشمند «الغدیر»، بخش مهمی از نقل کنندگان واقعه غدیر را معرفی و نوشته های آن ها را عرضه کرده است. با این حال، در میان جلوه های مختلف واقعه غدیر در آینه تاریخ و نیز روایت های تاریخی علمای شیعه و سنی از این رویداد بی نظیر تاریخ اسلام، روایت حضرت آیت الله جعفر سبحانی، از مراجع عظام تقلید از این واقعه، افزون بر متقن و مستند بودن، با نثری سلیس و روان به علاقه مندان و اهل علم و مطالعه عرضه شده است. آن چه در پی می آید گزیده ای از کتاب «فروع ولایت» است که به واقعه غدیر اختصاص دارد و مباحثی تحلیلی را نیز، در خود جای داده است.

ابلاغ فرمان الهی

پیامبر گرامی اسلام (ص) در سال دهم هجرت، برای انجام فریضه و تعلیم مراسم حج به مکه عزیمت کرد. این بار، انجام این فریضه با آخرین سال عمر پیامبر عزیز (ص) مصادف شد و از این جهت، آن را «حَجَّةُ الْوَدَاعِ» نامیدند. افرادی که به شوق

چند نکته تحلیلی درباره آیه

دقت در مضمون آیه، ما را به این نکات هدایت می کند: اولاً،





عید غدیر

دیرینه نامه



خیرخواهی و نصیحت کردی و در این راه، بسیار کوشیدی. خداوند به تو پاداش نیک بدهد. پیامبر اکرم (ص)، وقتی مجدداً آرامش بر جمعیت حکم فرما شد، فرمود: «آیا شما گواهی نمی‌دهید که جز خدا، خدایی نیست و محمد، بنده خدا و پیامبر اوست؟ بهشت و دوزخ و مرگ، حق است و روز رستاخیز بدون شک فرا خواهد رسید و خداوند کسانی را که در خاک پنهان شده‌اند زنده خواهد کرد؟» یاران پیامبر گفتند: آری، آری، گواهی می‌دهیم.

دو یادگار گران بها

پیامبر(ص) ادامه داد: من در میان شما دو چیز گران بها به یادگار می‌گذارم؛ چگونه با آن‌ها معامله خواهید کرد؟ ناشناسی پرسید: مقصود از این دو چیز گران بها چیست؟ پیامبر(ص) فرمود: ثقل اکبر، کتاب خداست که یک طرف آن در دست خدا و طرف دیگرش در دست شماست. به کتاب او چنگ بزنید تا گمراه نشوید و ثقل اصغر، عترت و اهل بیت(ع) من است. خدایم به من خبر داد که این دو یادگار من، تا روز رستاخیز از هم جدا نمی‌شوند. هان ای مردم! بر کتاب خدا و عترت من پیشی نگیرید و از آن دو عقب نمانید تا نابود نشوید. در این موقع، پیامبر(ص) دست حضرت علی(ع) را گرفت و بالا برد، تا جایی که همه حضرت علی(ع) را در کنار پیامبر(ص) دیدند و او را به خوبی شناختند و دریافتند که مقصود از این اجتماع، مسئله ای است که مربوط به حضرت علی(ع) است. پیامبر(ص) فرمود: هان ای مردم! سزاوارترین فرد بر مؤمنان از خود آنان کیست؟ یاران پیامبر(ص) پاسخ دادند: خداوند و پیامبر او بهتر می‌دانند. پیامبر(ص) ادامه داد: خداوند مولای من و من مولای مؤمنان هستم و بر آن‌ها از خودشان اولی و سزاوارترم. هان ای مردم! «هر کس که من مولا و رهبر او هستم، علی هم مولا و رهبر اوست». رسول اکرم(ص) این جمله آخر را سه بار تکرار کرد و سپس ادامه داد: پروردگارا، دوست بدار کسی را که علی را دوست بدارد و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن بدارد. خدایا! یاران علی را یاری کن و دشمنان او را خوار و ذلیل گردان. پروردگارا! علی را محور حق قرار ده. سپس افزود: لازم است حاضران به غایبان خبر دهند و دیگران را از این امر مطلع کنند. هنوز اجتماع با شکوه به حال خود باقی بود که فرشته وحی فرود آمد و به پیامبر گرامی(ص) بشارت داد که خداوند امروز دین خود را تکمیل و نعمت خویش را بر مؤمنان، به تمامی ارزانی کرد. در این لحظه، صدای تکبیر پیامبر(ص) بلند شد و فرمود: خدا را سپاسگذارم که دین خود را کامل کرد و نعمت خود را به پایان رسانید و از رسالت من و ولایت علی، پس از من، خشنود شد. پیامبر(ص) از جایگاه خود فرود آمد و یاران او، دسته دسته، به حضرت علی(ع) تبریک می‌گفتند و او را مولای خود و مولای هر مرد و زن مؤمنی می‌خواندند.

فرمانی که پیامبر(ص) برای ابلاغ آن مأمور شد، آن‌چنان خطیر و عظیم بود که هرگاه پیامبر (ص) (بر فرض محال) در رساندن آن ترسی به خود راه می‌داد و آن را ابلاغ نمی‌کرد، رسالت الهی خود را انجام نداده بود، بلکه با انجام این مأموریت، رسالت وی تکمیل می‌شد. به عبارت دیگر، هرگز مقصود از (ما أنزل إلیک) مجموع آیات قرآن و دستوره‌های اسلامی نیست. زیرا ناگفته پیداست که هرگاه پیامبر(ص) مجموع دستوره‌های الهی را ابلاغ نکند، رسالت خود را انجام نداده است و یک چنین امر بدیهی، نیاز به نزول آیه ندارد. بلکه مقصود از آن، ابلاغ امر خاصی است که ابلاغ آن، مکمل رسالت شمرده می‌شود و تا ابلاغ نشود، وظیفه خطیر رسالت رنگ کمال به خود نمی‌گیرد. بنابراین، باید مورد مأموریت، یکی از اصول مهم اسلامی باشد که با دیگر اصول و فروع اسلامی، پیوستگی داشته باشد و پس از یگانگی خدا و رسالت پیامبر(ص)، مهم‌ترین مسئله شمرده شود. ثانیاً، از نظر محاسبات اجتماعی، پیامبر (ص) احتمال می‌داد که در طریق انجام این مأموریت ممکن است از جانب مردم آسیبی به او برسد و خداوند برای تقویت اراده او می‌فرماید: «وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ».

خطبه غدیر

اکنون شرح واقعه غدیر را پی می‌گیریم: آفتاب داغ نیمروز هجدهم ماه ذی الحجه بر سرزمین غدیر خم به شدت می‌تابید و گروه انبوهی که تاریخ، تعداد آن‌ها را از هفتاد هزار تا صد و بیست هزار نفر ضبط کرده است، در آن محل، به فرمان پیامبرخدا(ص) فرود آمده بودند و در انتظار واقعه تاریخی آن روز به سر می‌بردند، در حالی که از شدت گرما رداها را به دو نیم کرده، نیمی را بر سر و نیم دیگر را زیر پا انداخته بودند. در آن لحظات حساس، طنین اذان ظهر سراسر بیابان را فرا گرفت و ندای تکبیر مؤذن بلند شد. مردم خود را برای ادای نماز ظهر آماده کردند و پیامبر(ص) نماز ظهر را با آن اجتماع پرشکوه، که سرزمین غدیر نظیر آن را هرگز به خاطر نداشت، به جا آورد و سپس به میان جمعیت آمد و بر منبر بلندی که از چهار شتران ترتیب یافته بود، قرار گرفت و با صدای بلند، خطبه ای به این شرح ایراد کرد: «ستایش از آن خداست. از او یاری می‌خواهیم و به او ایمان داریم و بر او توکل می‌کنیم و از شرّ نفس‌های خویش و بدی کردارهایمان به خدایی پناه می‌بریم که جز او، برای گمراهان هادی و راهنمایی نیست؛ خدایی که هر کس را هدایت کرد، برای او گمراه کننده‌ای نیست. گواهی می‌دهیم که خدایی جز او نیست و محمد بنده خدا و فرستاده اوست. هان ای مردم! نزدیک است که من دعوت حق را لبیک گویم و از میان شما بروم و من مسئولم و شما نیز مسئول هستید. درباره من چه فکر می‌کنید؟» یاران پیامبر(ص) گفتند: گواهی می‌دهیم که تو آیین خدا را تبلیغ و نسبت به ما



امام رضا علیه السلام
مشهورتر از زمین است
عید غدیر در آسمانها

العلی

عید غدیر